

مسیر خطیر دیپلماسی در ماه‌های پیش‌رو

نهم با توجه به دوباره‌شدن جامعه آمریکا، جو بایدن مجبور است نظرات طرفداران ترامپ را در برخی مسائل ملحوظ کند تا نماینده جمهوری خواهان و آن ۷۴ میلیون نفر که به او رای ندهاند هم باشد. این مسئله بسیار مهم است که با دیپلماسی فعال، اجازه داده نشود موضوع ایران، وجه‌المصالحه دموکرات‌ها و جمهوری خواهان قرار گیرد. آیا تحت این شرایط، جو بایدن برای بازگشت بدون قیدوشرط به برجام اقدام خواهد کرد؟ آیا متحدان اروپایی و منطقه‌ای او را قانع نخواهند کرد که اول باید ایران به تعهداتش در برجام برگردد؟
بی‌شک در یک موافقت‌نامه بین‌المللی، عضوی که یک‌طرفه خارج شده باید ابتدا برگردد، سپس ادعای بهره‌مندی از مواهب آن یعنی تعهدات ایران داشته باشد. اکنون موضوع در جمهوری اسلامی چگونه نگریسته می‌شود؟ موضوع شهادت سردار سلیمانی بی‌شک باید در چارچوب حقوق بین‌الملل، در نو رخ گفت‌وگویی با ۵+۱ به کار گرفته شود و مابازای آن حتی استرداد قاتلان طلب شود. پیشرفت‌های هسته‌ای به‌درستی مایه افتخار و غرور ملی شده و می‌تواند مقوم هر گفت‌وگو واقع شود و اگر به‌عنوان اهرم در سر میز مذاکره برجام به کار گرفته شود، حتما کارساز خواهد بود. مسائل سیاسی داخلی اعم از موضع مجلس فعلی و نگرش جریان غالب آن به اضافه‌کردن ریاست‌جمهوری به اردوگاه خود نباید باعث شود که تا دولت بعدی، برجام با نگیرد. نریض این امر در خطرات خانم اشتون نهفته است که می‌گوید او سعی کرد مذاکرات هسته‌ای را در سال ۱۳۹۱ با جریان غالب سیاسی وقت آن‌قدر طولانی کند تا افرادی منطقی که اهل گفت‌وگو بین‌المللی باشند، در ایران بر سر کار بیایند تا گفت‌وگوهای برجام جدی شود. برخی در ایران تصور دارند اکنون که مردم با وجود دشواری‌ها با تحریم‌ها دست‌و‌پنجه نرم کرده و به‌نوعی با آن کنار آمده‌اند، نیازی به رفع تحریم‌ها نیست اما مشخص است که موضع رسمی کشور این نیست و مردم نیز در انتظار برداشتن تحریم‌ها و بازگشت به زندگی معمول هستند. دلایل دیگری هم وجود دارد که جهت اختصار صرفه‌جویی می‌شود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد یک فرصت طلایی در انتظار بازی‌ساز ایران است.

با اهرم‌های و در رأس آن پیشرفت‌های هسته‌ای، اولاً مانع اجماع آمریکا و اروپا با بقیه جهان علیه ایران شود تا اکثر تحریم‌ها برطرف شوند و وسواسان خاص در اسرائیل و عربستان و در میان جمهوری خواهان آمریکا دولت جدید را به سمت‌وسوی همان سیاست‌های ترامپ و برتری اسرائیل در منطقه سوق ندهند.
دو کشور خاورمیانه ترکیه و عربستان و رژیم صهیونیستی در ۴۰ سال گذشته همواره نان دشمنی ایران و آمریکا را خورده و با استفاده از کمک‌های آمریکا و اروپا، خود را بسیار پرور و فربه کرده‌اند. آیا وقت آن نرسیده ایران از این موقعیت ژئوپولیتیک خود استفاده کند و خود را قدرت منطقه‌ای مسلم در منظر آمریکا و اروپا کند؟
ایران می‌تواند در کنار چهره سخت‌افزاری خود با هنرمندی در یک توافق بزرگ با آمریکا که به تأیید اروپا هم می‌رسد، خواسته‌های خود را به منضم ظهور برساند و ضمن برطرف‌کردن تحریم‌ها و انواع فشارهای سیاسی اقتصادی، دو قدرت بزرگ چین و روسیه را به دنبال خود کشاند و بدخواهان منطقه‌ای را نیز میخکوب کرده و در آذربایجان و ارمنستان منافع تاریخی خود را پیاده کند تا نگرانی‌ها برطرف شوند.
در سوریه، لبنان، عراق، یمن و دیگر مناطق منافع خود را با هماهنگی همه قدرت‌های بزرگ تأمین کند، به تقویت نیروی هوایی خود و کسب پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی پرداخته و رفاه و رشد و توسعه را برای مردم ایران به ارمغان آورد. البته جمهوری اسلامی ایران برای سناریوهای دیگر هم حتما آماده کرده است.

کبخسرو در رؤیای گودرز

روز دیگر زودگانگی کیو کمر بسته با اسبی بارکش به زیر ران در درگاه پدر حاضر شد و گفت: «ای گرنامه‌ی پدر، گمندهی و اسبی مرا گفایت می‌کند شایسته نیست کسی دیگری مرا همراهی کند که وجود دیگران در کنار من، نگاه‌ها را با می‌خواند و از این پس دشت و کوه جایگاه من است، باشد که به مهر یزدان پاک و بخت بیروز پدر، خسرو را یافته، به ایران بازگردانم و بر اورنگ شهبازی نشانم.»
جو خورشید رخشنده آمد پدید/زمین شد به‌سان گل شنبلیلی/
بیامد کمر بسته کیو دلبری یکی بارکش بادیابی به ریز/ به گودرز گفت ای جهان پهلوان/ دلبر و سرفراز و روشن‌روان/ گمندهی و اسبی مرا یار بس/ نشاید کشیدن بدان مرز کس

سیاست

گفت‌وگو با احمد مازنی

مخاطره بازتولید حجتیه



ما در سال ۱۳۹۸ وقتی می‌خواستیم انتخابات را برگزار کنیم، افکار عمومی با چند مسئله مواجه بود. اولین مسئله به خروج ترامپ از برجام برمی‌گشت و منصفانه این است که سهم خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های گسترده که موجب بروز مشکلات اقتصادی، نوسانات شدید قیمت ارز، گرانی بی‌سابقه و مشکلات دیگر شد را نباید به پای دیگران نوشت و باید سهم بدهدی کشورهای خارجی را که بالای ۵۰ درصد است، در نظر بگیریم و دوم اینکه مردم احساس کردند توجهی به انتخاب آنها ندارد و به هر نحوی که مردم می‌خواستند حق دموکراتیک خود را اعمال کنند، از جمله رای به کاندیداهای لیست امید که با تکرار آقای خاتمی به این جمع‌بندی رسید، به نحوی عمل شد که مجلس در جاهای مهم از تأثیرگذاری خارج شود. مثلاً در مجلس نهم تلاش کردند مجلس با برجام مخالفت کند اما مجلس همراهی کرد و مجلس دهم هم این مسیر را ادامه داد اما اتفاق‌هایی در کشور افتاد که این اتفاق‌ها به نظر من عمدی بود در اینکه مجلس، دموکراسی و رای مردم از خاصیت بیفتد. یکی از این اتفاقات افزایش نرخ بنزین بود که می‌توانست در مجلس مورد بررسی قرار بگیرد و متناسب با ریسک اجتماعی، افزایش قیمت در نظر گرفته شود. به جلسه سران قوا می‌رود که به نظر من مصوبه مربوط به افزایش قیمت بنزین در چنین جایگاهی که لحاظ قانونی مورد سؤال است و آنجا قیمت بنزین سه‌برابر می‌شود و بدون اطلاع مردم این افزایش اعمال می‌شود و مردم اعتراض می‌کنند، عده‌ای هم در این میان اغتشاش می‌کنند و تروخشک با هم می‌سوزند. استیضاح وزیر کشور را کلید زدیم اما بازهم اجازه کار به ما ندادند. من سؤال از وزیر کشور را مطرح کردم اجازه ندادند سؤال در دستور کار قرار بگیرد. بنابراین به نظر من مجلس دهم از این جهت که در معرض چنین مسئله‌ای قرار گرفت، یعنی علاوه بر مسائل درونی از بیرون با آن رفتاری صورت گرفت که در جامعه برای مدتی شاهد مشارکت مردم برای ایجاد مجلسی دویدم که از آن صدای اعتراض و انتقاد به گوش برسد، از آن صدای اعتراض نسبت به فساد گسترده در قوای مختلف به گوش برسد، کاری کردند مشارکت پایین بیاید. آنها فکر کردند با مشارکت پایین و موفق شدن در کسب کرسی‌های مجلس می‌توانند بقیه مسائل را مدیریت کنند اما موفق نشدند. به نظر من عامل اصلی در کاهش مشارکت این عوامل بیرونی بوده است. اگر رئیس مجلس می‌خواست خیلی از تصمیمات و طرح‌های اصلاح‌طلبانه در مجلس موفق شود، قطعاً می‌توانست مؤثر باشد اما به‌جای همراهی با نمایندگان مردم با اتفاقات بیرونی همراه شدند. نتیجه این روند موجب شکل‌گیری مجلس اقلیتی یازدهم شد

ک به نظر شما اصلاح‌طلبان دوباره باید برای ورود به قدرت تلاش کنند یا به جامعه برگردد؟
من در تعریف اصلاح‌طلبان در این قسمت معتقدم اصلاح‌طلبان فارغ از نام‌گذاری این جریان یا حتی جریان مقابل آنها دو جریان سیاسی درون نظام جمهوری اسلامی هستند که اگر هرکدام در رقابت انتخاباتی حضور نداشته باشند، انتخابات بی‌معناست؛ جریان‌های واقعی و دو جبهه حقیقی سیاسی که در جامعه حضور دارند، عبارت‌اند از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، درحالی‌که اصلاح‌طلبان زمانی که قوی وارد میدان می‌شوند، بخش خاکستری مردم را وارد انتخابات می‌کنند. به این معنا من معتقدم که اصلاح‌طلبان به‌هیچ‌وجه نباید از انتخابات دور باشند، حالا چه رای بیآورند، چه نیآورند و اساساً وجود احزاب اصلاح‌طلب به این معناست که می‌خواهند در قدرت مشارکت داشته باشند. الان مجلس یکدست اصولگرایان را ببینید که هیچ‌کس صدای مخالفی از آن شنیده نمی‌شود و اگر گاهی یکی از درون خودشان هم حرفی بزند، بعد از مدتی منزوی می‌شود. اگر شخصی مثل آقای علی مطهری در مجلس یازدهم حضور داشت، امروز مجلس متفاوت بود. من معتقدم که اصلاح‌طلبان باید در حوزه قدرت حضور داشته باشند؛ اما به معنای دیگر که اصلاح‌طلبان باید در اصلاح امور مشارکت داشته باشند. این اصلاح امور فقط این نیست که در حوزه قدرت باشند. من معتقد به اصلاح‌طلبان قدرت‌محور و جامعه‌محور نیستم. من معتقدم هر دو با هم باید وجود داشته باشد.

ک اصلاحات به نظر شما چه تعریفی دارد و اصلاح‌طلبان چه تعریف می‌شوند؟
اصلاح‌طلبان به معنای یک جریان سیاسی که ذیل قانون اساسی جمهوری اسلامی تعریف می‌شوند و در کنار جریان سیاسی دیگر، باید در دوره‌های مختلف با هم رقابت کنند. اصلاح‌طلبان به این معناست و اصلاح‌طلبی یعنی هرگونه فعالیت سیاسی-اجتماعی بدون خشونت و با تأکید بر اصلاح تدریجی امور جامعه و با تأکید بر پروسه‌های بودن اصلاح. اصلاح یک امر فرهنگی و اجتماعی و شبیه فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی است که با کمک و همکاری فراکسیون امید یا سایر اعضای نمی‌گیرد. مجموعه عوامل باید به کار گرفته شود تا امور جامعه اصلاح شود و اینکه چه چیزی را می‌خواهند اصلاح کنند، به نظر من یکی اصلاح نگرش درباره قانون است. اینکه یک نماینده مجلس توقع دارد پلیس راهش را غیرقانونی باز کند، نیاز به اصلاح دارد و همه باید در مقابل قانون شمای و باشند. ما در گفت‌وگو و تعامل همه برای آزادی اندیشه اهمیت قابل کاندیدا معرفی کردند؛ در این‌رای‌گیری آقای عارف رای اول را داشت و انتخابات باید دوحمره‌ای برگزار می‌شد. آقای حاجی بابایی برای مرحله دوم پشت تریبون رفت و اعلام کرد به نفع لاریجانی کنار می‌رود که این اعلام غیرقانونی بود و دوباره انتلافی بین مستقلین و ولایی‌ها شکل گرفت که مانع از ریاست عارف شد. در عرصه عمل با آنچه در عرصه رسانه می‌گویم، واقعیت‌ها خیلی متفاوت است و نتیجه این شد که فراکسیون امید در طول این سال‌ها گاهی کاندیدای ریاست داشته باشد و گاهی با تعامل با فراکسیون‌ها در هیئت‌رئیس‌ها ورود کند که به اندازه وزنش در مجلس توانست تأثیرگذار باشد.

ک وضعیت فعلی درباره مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ را چگونه می‌بینید؟

من فکر می‌کنم آثار آنچه در گذشته برای مشارکت‌نکردن مردم به صورت عمدی یا سهوی در کشور اتفاق افتاد، هنوز در افکار عمومی وجود دارد و فعالان سیاسی ما در دو سطح نگران هستند؛ یکی در سطح دبیران کل احزاب که نگران رد صلاحیت کاندیداهای خودشان هستند و سطح دوم سِمپات‌هایی که باید سوادداران یعنی توده‌های مردم را وارد صحنه کنند، به دلیل اتفاقات یک دهه گذشته دچار سرخورگی شده‌اند و انگیزه‌ای برای مشارکت در انتخابات ندارند؛ اما من فکر می‌کنم تا خرداد هنوز زمان زیادی داریم و عوامل زیادی می‌تواند در مشارکت مؤثر باشد. یکی کسانی که در سال ۹۸ لیست ارائه نکردند و دیگر مردمی که با مشارکت‌نکردن می‌خواستند به‌نوعی قهر با صندوق رای را از خودشان بروز دهند و در عمل در طول همین چند ماه که از مجلس

امیرحسین جعفری: عده‌ای معتقدند قهر مردم با صندوق رای، نتیجه عملکرد مجلس دهم بود. برخی نیز ناور دارندند نتیجه اتفاقات بیرون مجلس و بعضاً مسائل خارجی در فشار بر مردم و متعاقب آن ناامیدی سیاسی مردم، در انتخابات مجلس یازدهم مؤثر بود. کاهش شدید مشارکت در انتخابات اسفند ۹۸ این مخاطره را به ذهن می‌رساند که رویکرد مردم در انتخابات ۱۴۰۰ چه خواهد بود؟ برای بررسی علل کاهش مشارکت انتخاباتی مردم و نیز راهکارهای رفع این مخاطره، ساعتی را با احمد مازنی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده مجلس دهم، به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

ک لیست امید در مجلس دهم حاشیه‌های زیادی داشت؛ ازجمله جداشدن عده‌ای از نمایندگان این لیست و گرایش به سمت اصولگرایان. به نظر شما چرا این اتفاق افتاد و چه بحث‌هایی در این زمینه داشتید؟

اگر بخواهیم این مسئله را ریشه‌ای بررسی کنیم، باید عرض کنم مهم‌ترین عامل به نظام انتخاباتی برمی‌گردد. یکی از اشکالات نظام انتخاباتی ما این است که حزبی نیست. احزاب در یک ساختار دموکراتیک، حلقه اصلی زنجیره دموکراسی هستند؛ درحالی‌که در ایران متأسفانه احزاب نقش واقعی را ایفا نمی‌کنند. بنابراین انتلافی که در سال‌های ۹۲ و ۹۴ برای مجلس و ریاست‌جمهوری اتفاق افتاد، یک انتلاف حزبی نبود. این اولین و ریشه‌ای‌ترین دلیل اتفاق یادشده بود. ما در سال ۹۲ دو حادئه تلخ سیاسی را پشت سر گذاشته بودیم؛ یکی سال ۸۴ بود که با اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان، کشور دودستی تحویل یک جریان پوپولیستی داده شد و دیگری انتفاح باخت-باخت سال ۸۸ بود که همه جریان‌های درون نظام از این موضوع آسیب دیدند. در سال ۹۲ برای عبور از بسازی باخت- باخت، یک بازی برد-برد بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل تعریف شد که نتیجه آن ریاست‌جمهوری آقای روحانی و مجلس دهم بود؛ اما نکته سوم، این است که ما در سال ۹۴ با ترکیبی از اصلاح‌طلبانی مواجهمیم که شناخته‌نشده بودند. در نتیجه ما برای اینکه از ورود افراطیون به مجلس جلوگیری کنیم، ناچار شدیم از اصلاح‌طلبان ناشناخته به صورت فراخوان دفاع کنیم و همچنین با اصولگرایان معتدلی که در کشور شناخته‌شده بودند، مثل بهروز نعمتی، کاظم جلالی، علی لاریجانی و این طیف افراد و افراد ناشناخته و حتی افراد بدون بی‌خطر که مانع گسترش افراط‌گرایی در کشور شوند. انتلاف کنیم. با نوعی ترکیبی یک اکثریت تقریباً ۱۸۰نفری برای مجلس تعیین شد و اکثر رای آوردند. بنابراین لیست امید، لیست اصلاح‌طلبان نبود؛ ترکیبی از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل و حتی افرادی فاقد گرایش سیاسی بود. این عوامل در موفقیت و عدم موفقیت لیست امید تأثیر داشت که بعدها در مجلس از لیست امید جدا شدند و به‌نوعی می‌شود گفت عدم پایندی اعتدالیون به تعهدات انتلاف، باعث ناکامی لیست امید شد.

ک به نظر می‌رسد عملکرد لیست امید توانست انتظار عمومی را برآورده کند؛ چه کسی پاسخ‌گوی این عملکرد است؟

عملکرد را باید منصفانه بررسی کنیم. اول باید لیست و فراکسیون امید را دو جریان ببینیم؛ لیست امید ترکیبی انتلافی بود. فراکسیون امید یک جمع حدوداً صدنفره بود که باز هم در مواقعی تعدادش کمتر یا بیشتر می‌شد که در مجلس فاقد اکثریت بود. در حقیقت نت عملکرد را باید بررسی کنیم و ببینیم چه انتظاری از آن داشته‌ایم. انتظار واقعی با انتظاری که به صورت پروپاگاندا در جامعه شکل گرفته بود، با هم متفاوت بودند. انتظار واقعی این بود که به جریان اصلاح‌طلبان برجسب‌هایی زده بودند و سعی داشتند کاملاً از صحنه سیاست حذف شوند یا درصلاحیت‌ها و برجسب‌هایی که زده بودند و همه ظرفیت‌های ممکن را به کار گرفتند یک تح جریان مجددا در کشور حاکم شود، اما جریان اصلاح‌طلب هم در سال ۹۲ و هم در ۹۴ آن بازی را با شکست مواجه کردند و اصلاح‌طلبان در صحنه ماندند و بازی آنها را به هم زدند. در نتیجه از دولتی که در جهت تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل و آزادی بیان و آزادی در عرصه اندیشه در داخل کشور و توسعه‌های فرهنگی و اجتماعی قرار بود عمل کند، حمایت کردند. بخشی از قوانینی که در مجلس دهم تصویب شده است، مربوط به جریان انتلافی است تا این قوانین به تصویب برسند. اما فضاوات درباره عملکرد نیاز به اطلاعات گسترده‌تر دارد. حداقل اصلاح‌طلبان توانستند بازی را به هم بزنند، ولی اینکه پاسخ‌گو چه کسی باید باشد، بخش مهمی از پاسخ را باید آقایان لاریجانی و روحانی بدهند که سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان را هزینه کردند. در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان هم برنامه‌ای به نام برجا تهیه شده بود و گذاشتند این برنامه اجرا شود. آقای روحانی صریحاً در جمع مسئولان فراکسیون امید که بنده هم حضور داشتم، گفت ما اینجا حزب نداریم که انتلاف کنیم، ما اصلاً با شما انتلاف نکردیم. این ادبیات حاکی از آن بود که دوستان معتدل بلافاصله بعد از انتخابات و واردشدن به بهارستان و پاستور، کاملاً سرفه خودشان را از اصلاح‌طلبان جدا کردند و در مجلس هر کجا لازم بود، آقای لاریجانی از ظرفیت اصلاح‌طلبان استفاده می‌کرد و هر کجا که نیاز داشت، فرمان را به سمت راست می‌برد. به همین جهت در ریاست مجلس و هیئت‌رئیسه رفکار اعتدالی‌ها مشکل ایجاد کرد که به نظر من همه کسانی که نقش داشتند باید پاسخ‌گو باشند. باین‌حال، بیشترین پاسخ را جریانی باید بدهد که از سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان استفاده کرد، ولی وفادار به تعهدات و قرارداد‌های نوشته و نانوشته بین اصلاح‌طلبان و معتدلان نبود.

ک عملکرد مجلس دهم را تا چه میزان در کاهش مشارکت انتخابات مجلس یازدهم مؤثر می‌دانید؟ مردم از چه چیزی ناامید شدند که رای ندادند؟

آگاهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه موسسه مالکین آکامشهر

به شماره ثبت ۷

به آگاهی میرساند مجمع عمومی عادی سالیانه موسسه مالکین آکامشهر برای بررسی موارد ذیل راس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۰ جلوی گریز از شیوع ویروس کرونا،مالکین میتوانند با مراجعه به سایت http://majma.iranakamshahr.com بصورت مجازی در مجمع حضور یابند. نحوه ثبت نام حضور برای مجامع آنلاین بطریق مورد نظر اجرا کننده مجمع آنلاین خواهدبود.
موارد زیردر مجمع مطرح و رای گیری خواهد شد:

۱- استماع گزارش هیات مدیره

۲- استماع گزارش بازرس

۳- بررسی و تصویب صورت های مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۸

۴- انتخاب اعضای هیئت مدیره

۵- انتخاب بازرس / بازرسیین

۶- انتخاب روزنامه گذر انتشار موسسه

۷- سایر موارد در نظر مالکین و هیات مدیره

رئیس قوه قضائیه:

آنچه روابط بین ملت و دولت را رقم می‌زند، منافع ملی است

● **میزان:** آیت‌الله رئیسی در دوازدهمین گردهمایی مجازی نمایندگان ولی فقیه و ائمه جمعه کشور گفت: «آنچه روابط بین ملت و دولت را رقم می‌زند، منافع ملی است.» او اظهار کرد: «رابطه دولت با ملت رابطه تعریف‌شده است. آنچه روابط بین ملت و دولت را رقم می‌زند منافع ملی است و باید برای حفظ منافع ملی تلاش کرد.» او افزود: «منافع ملی تنها به مرزوبوم و جغرافیا مربوط نمی‌شود و می‌تواند منافع غیر از سرزمین هم جزء منافع محسوب شود.» رئیس قوه قضائیه تصریح کرد: «امام(ره) منافع ملی و مصالح انسان را با هم پیوند زد و ترکیبی بین ملیت و اسلامیت را رقم زد و نگاه علمای بزرگ و در رأس آن امام این بود که تقابلی بین اسلامیت و ملیت نیست بلکه پیوند این دو می‌تواند نجات‌بخش جامعه باشد و حفظ دفاع از وطن را در جامعه افزایش دهد.» او تصریح کرد: «امام بزرگوار به نحوی عمل کردند که جمهوریت و اسلامیت، ملیت و اسلامیت، مصالح انسان و معاصر با منافع ملی باهم پیوند خورد و سازوکار این پیوند ایجاد شد.»

محمود صادقی:

اعضای حقیقی مجمع اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان حق رأی ندارند

● **نامه‌نیوز:** محمود صادقی درباره اینکه نهاد اجماع‌ساز چه تفاوت‌هایی با شورای عالی سیاست‌گذاری دارد و آیا در این نهاد انتقادی که درباره حضور اشخاص حقیقی در کنار احزاب وجود داشت، رفع شده است یا نه، تصریح کرد: «تفاوت ماهوی نهاد اجماع‌ساز با شورای عالی سیاست‌گذاری در آن است که ۱۵ عضو حقیقی حاضر در نهاد، منتخب هیئتی هستند که اکثریت اعضای آن منتخب شورای هماهنگی بودند؛ به این نحو که شورای هماهنگی پنج نفر واقعی خاتمی هم چهار نفر را انتخاب کردند تا مجموعاً این ۹ نفر ۱۵ عضو حقیقی را تعیین کنند. حتی آقای خاتمی پس از انتخاب پنج نفر توسط شورای هماهنگی گفتند نیازی نیست که من کسی را تعیین کنم و خود این پنج نفر اعضای حقیقی را انتخاب کنند اما با اصرار ما ایشان چهار نفر را معرفی کردند بنابراین در این دوره برخلاف شورای عالی سیاست‌گذاری اعضای حقیقی به‌صورت دموکراتیک‌تری انتخاب شدند. نکته دیگر اینکه حتی معرفی چهار نفر از طرف آقای خاتمی در هیئت ۹نفره انتخاب به این معنا نبود که آنها به‌عنوان اعضای حقیقی نهاد اجماع‌ساز هم انتخاب شوند، بنابراین موقعی که چهار نفر را معرفی کردیم و آنها موقع رای‌گیری برای انتخاب اعضای حقیقی آنها از پذیرش عضویت در نهاد اجماع‌ساز امتناع داشتند و ما با توجه به پیشنهادهایی که احزاب داده بودند، آنها را با اصرار کاندیدا کردیم و آنها موقع رای‌گیری هیچ‌یک به خودشان رای ندادند و با اصرار و رای ما انتخاب شدند. حتی آقای مرعشی، موسوی‌لاری، امین‌زاده و نبوی از حضور از عضویت در نهاد اجماع‌ساز امتناع داشتند. آقای موسوی‌لاری حتی با وجود اصرار ما، عضویت را نپذیرفتند. آقای مرعشی هم به‌شدت اصرار داشت که نیازی نیست در میان اعضای ۱۵نفره باشد و می‌گفت با همان عنوان حزب کارگزاران از جایگاه حزبی در نهاد اجماع‌ساز مشارکت خواهد داشت؛ بنابراین سفته‌نری که در هیئت ۹نفره بودند و به‌عنوان عضو نهاد اجماع‌ساز انتخاب شدند، عضویتشان به نمایندگی از آقای خاتمی نیست.»

او افزود: «نکته دیگر اینکه مصوبه شورای هماهنگی این بود که اعضای حقیقی ترجیحاً غیرحزبی باشند؛ این به این معنا بود که انتخاب افراد حزبی هم در مواردی که دلیل و توجیه خاصی داشته باشد، منعی ندارد. ما هم با این استدلال که برخی اشخاص فراتر از جایگاه حزبی، از لحاظ شخص حقیقی‌شان جایگاه ویژه‌ای دارند و افراد مؤثر و منتقدی در بدنه اجتماعی هستند که می‌توانند به‌عنوان شخص حقیقی به نهاد کمک کنند، آنها را انتخاب کردیم.»

صادقی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا مانند دوران شورای عالی سیاست‌گذاری اعضای حقیقی مانند اعضای هیئت‌رئیس یا همان احزاب حق رای خواهند داشت یا خیر، بیان کرد: «اعضای حقیقی به‌عنوان مشاور در نهاد اجماع‌ساز حضور دارند و برخلاف آنچه در شورای عالی سیاست‌گذاری می‌دیدیم، حق رای ندارند.»

او در پایان درباره اینکه چرا نام محمدرضا عارف که تا چندین‌پیش رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری بود، در میان ۱۵عضو حقیقی دیده نمی‌شود و آیا تاکنون همکاری معنوی با نهاد داشته است یا نه، گفت: «ما ابتدا یک لیست ۱۶نفره پیشنهادی احزاب را گردآوری کردیم و پس از بررسی‌های زیاد و در چند مرحله، ۱۵ نفر از میان آنها انتخاب شدند. در میان آن ۱۶۲ نفر نام آقای دکتر عارف هم بود اما در هیئت بنا بر این گذاشتیم افرادی که به نوعی اعلام کاندیداتوری کرده‌اند، به‌عنوان عضو حقیقی انتخاب نشوند تا مبادا تعارض منافعی به وجود آید. عدم انتخاب آقای عارف به‌عنوان یکی از اعضای حقیقی از این جهت بود. آقای عارف هم تا این لحظه هیچ ارتباطی با نهاد اجماع‌ساز نداشته و هیچ صحبتی با او نشده است.»

ادامه در صفحه ۵